گفت‌وگوی «جوان» با فارسی‌آموز از کشور مقدونیه

دوست دارم بیشتر در ایران بمانم

یاد گرفتن تعارف ایرانی‌ها خیلی سخت است

صنم محجوب

سونیا دختری دانشجو و اهل کشور مقدونیه است. آشنایی او با زبان فارسی از ارتباط با یک همسایه ایرانی شروع شد. این آشنایی در او چنان علاقه عمیقی ایجاد کرد که به خاطر آن به کشور بوسنی و هرزگوین سفر کرد و در دانشگاه آن کشور زبان و ادبیات فارسی خواند. سونیا اکنون آرزو دارد که سفارت مقدونیه در ایران افتتاح و در آنجا مشغول به کار شود. او این شغل را فرصتی می‌بیند برای آنکه در ایران مدت بیشتری اقامت داشته باشد. در ادامه گفت‌وگوی «جوان» با وی را می‌خوانید.

چرا زبان فارسی را انتخاب کردید؟

اولین برخورد من با زبان فارسی خیلی جالب است. چون در ساختمانی که زندگی می‌کردم در مقدونیه، یک همسایه ایرانی داشتم و به واسطه مهمانی‌هایی که به خانه‌مان می‌آمدند و رفت و آمدی که داشتیم با غذای ایرانی و زبان فارسی در ارتباط بودم و آشنا شدم. اول بیشتر به ادبیات فارسی علاقه داشتم و با خودم گفتم چراکه نه. هم مترجم فارسی در کشور ما نیست و هم می‌خواهم ادبیات فارسی را بخوانم به خاطر همین به دانشگاه رفتم تا با ادبیات فارسی نزدیک شوم و زبان فارسی را نیز یاد بگیرم، زبان و ادبیات فارسی را در کشور بوسنی و هرزگوین خواندم. در آنجا سه سال دانشگاه رفتم. الان باز دوباره آمدم اینجا تا در کشور ایران زبان و ادبیات فارسی را بیشتر تقویت کنم و زبانم بهتر شود ان‌شاءالله.

در کشور شما مرکز آموزش زبان فارسی یا در دانشگاه این رشته نبود؟

نه، متأسفانه ندارد. به خاطر همین به کشور بوسنی و هرزگوین رفتم که همسایه ما هستند و در دانشگاه آنجا در رشته شرق‌شناسی زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را می‌توان یاد گرفت. یعنی چنین فرصتی هست.

از اینکه زبان فارسی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید راضی هستید؟

خیلی راضی‌ام، خیلی! ولی امیدوارم فرصتی ایجاد شود تا بتوانم اینجا کمی بیشتر بمانم و سفارت مقدونیه در اینجا باز شود و بتوانم همه چیز را یاد بگیرم و (با شوق ادامه می‌دهد) همه کلمات را یاد بگیرم و بیشتر موفق باشم.

در کشور شما آیا تورهای گردشگری هست که از ایران به کشور شما بیایند و بازدید کنند؟

بله چند تا هست. مثلاً چند آژانس توریستی دارد که مردم از مقدونیه بیایند ایران ولی در مورد اینکه از ایران به مقدونیه بیایند بلد نیستم و اطلاعاتی ندارم ولی برای یادگرفتن زبان فارسی هنوز هیچ مرکزی نیست. ان‌شاءالله سفارت ایران در مقدونیه کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی را برای مردم مقدونیه تشکیل می‌دهد. چنین مرکزی در حال ایجاد است تا مردم بیشتر آشنا شوند، هم با فرهنگ و هم با زبان فارسی.

چند نفر در کشورتان مانند شما زبان و ادبیات فارسی خواندند؟ اطلاع دارید؟

تا حالا حدود ۲۰ نفر که این افراد بیش از ۱۰ الی ۱۵ سال در ایران زندگی و کار می‌کردند و الان به مقدونیه برگشته‌اند. این افراد فارسی بلدند ولی لهجه ایرانی ندارند. اما دانشجوی زبان فارسی خیلی کم داریم. شاید دو یا سه نفر. البته در کشور بوسنی دانشجوی زبان فارسی زیاد است.

شما خودتان علاقه‌مند هستید مردم کشورتان را به یادگیری زبان فارسی تشویق کنید؟

بله حتماً.

از چه راهی فکر می‌کنید امکان آن هست؟

فکر می‌کنم باید در مورد فرهنگ و تمدن ایران صحبت کرد زیرا یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های کل دنیاست و اکنون مردم می‌خواهند با زبان همدیگر بیشتر آشنا شوند. این علاقه به یادگیری کل زبان‌های دیگر جهان در مردم وجود دارد. چرا فارسی یکی از آنها نباشد.

در رسانه‌ها و تلویزیون شما در مورد ایران برنامه یا خبری پخش می‌شود؟

نه. اگر کسی ماهواره داشته باشد از کانال‌های دیگر می‌تواند برنامه‌هایی در مورد ایران ببیند ولی در تلویزیون خود ما برنامه‌ای نیست.

هیچ خبری در مورد ایران در رسانه‌های کشورتان نیست؟

متأسفانه نه. به خاطر همین کمی سخت است برای من که فارسی یاد بگیرم. چون دوستان ایرانی در کشورمان نداریم واقعاً سخت است و کلماتی که خوانده‌ایم از یادمان می‌رود.

در برخورد با مردم و فرهنگ ایران چه چیزی برای شما جالب بوده و توجه‌تان را جلب کرده است؟

[می‌خندد] «تعارف» برایم خیلی جالب است چون این تعارف واقعاً شوخی نیست. مثلاً وقتی اولین بار آمدیم اینجا نه زبان و نه چیز دیگری بلد بودیم سوار تاکسی شدیم و از آقای راننده پرسیدیم قیمتش چند است. گفت قابلی ندارد. خوب معنی کلماتی مانند قابل را می‌دانستیم. دوباره پرسیدیم گفت قابلی ندارد و وقتی از تاکسی پیاده شدیم و پولی ندادیم به ما گفت که اینها فقط تعارف است. (می‌خندد) ولی بعد از استادها پرسیدیم و به ما در مورد فرهنگ ایرانی توضیح دادند. مثلاً توضیح دادند که همیشه چند بار می‌گویند بفرمایید که اگر اولین بار خجالت می‌کشی پس از چند بار تعارف راحت‌تر شوی. ولی خیلی جالب است این را هنوز یاد نگرفتیم. تعارف خیلی سخت است.

از غذاها و شیرینی‌های ایران کدام را دوست دارید و برایتان جالب هستند؟

برایم جالب است که هر روز برنج می‌خورید. کبابی که دارید جالب است و ادویه‌هایی که استفاده می‌کنید. پسته و آجیلی که دارید هم خیلی جالب است. در کشور ما نمی‌توان به این میزان آجیل مصرف کرد چون خیلی گران است. غذای دیگری که خیلی خوشم می‌آید زردرنگ است و مانند برنج است و در عید مصرف می‌شود. اسمش را نمی‌دانم چیست.

به شهرهای اصفهان، یزد یا شیراز سفر کرده‌اید؟

بله. چون در بوسنی سفارت ایران، به ما دانشجویانی که زبان فارسی می‌خواندند فرصتی داد تا به اصفهان و شهرهای دیگر سفر کنیم. فکر می‌کنم ۱۵ روز به شهرهای مختلف سفر کردیم. جاهای دیدنی زیادی رفتیم. فکر می‌کنم به تخت جمشید، اصفهان، قزوین، قم و... سفر کردیم. آن ۱۵ روز، سفر خیلی خوبی برای ما بود. متأسفانه در آن ۱۵ روز زبان فارسی را اصلاً بلد نبودیم. فکر می‌کنم در شروع سال دوم دانشگاه بودم و طی آن سفر خیلی بیشتر عاشق ایران شدم. گروه ما حدود ۴۰ نفر بودند.

فکر می‌کنید چرا آنها زبان فارسی را بهتر یاد گرفتند؟ تمرین بیشتری داشتند یا زبانشان به فارسی نزدیک‌تر بود؟

فکر می‌کنم چون مرکز فرهنگ ایران در کرواسی است در آنجا می‌توانستند به کتاب‌ها دسترسی داشته باشند و با ایرانی‌ها در ارتباط باشند و حتی داستان‌های کوتاهی را از زبان فارسی ترجمه کردند. اگر ما هم در مقدونیه مرکز فرهنگ ایرانی داشتیم و می‌توانستیم در برنامه‌ها شرکت کنیم و اینکه فقط زبان فارسی را هم بشنویم خیلی خوب بود. اگر چنین مرکزی ایجاد شود برای همه جالب خواهد بود.

دوست دارید در آینده چه کاری انجام دهید؟

قبلاً در ابتدای دانشگاه دوست داشتم مترجم شوم ولی الان کمی فکرم عوض شده است. دوست دارم کاری پیدا کنم که بتوانم فارسی را صحبت کنم ولی فقط به خاطر ترجمه نباشد. دوست دارم در سفارتی که در ایران باز می‌شود کاری پیدا کنم. این بزرگ‌ترین آرزو برای من است که بتوانم مدتی به طور کامل ایران بمانم که هم به سفارت مقدونیه کمک کنم و هم زبانم پیشرفت کند.

رئیس مرکز اسلامی برزیل:

رسانه‌های صهیونیستی در برزیل داعش را ایرانیان شیعه معرفی کرده بودند

معصومه طاهری

این روزها که بحث داعش در ایران و فعالیت‌های ضد شیعی‌اش داغ است با کمک انجمن شهید ادوارد و آنیلی مصاحبه جالبی داشتیم با حجت‌الاسلام روح‌الله شورگشتی نیشابوری که از فعالیت‌های ضد ایرانی و ضد شیعی داعش در آن سوی مرزها نکات جالبی را برایمان تعریف کردند. حجت‌الاسلام شورگشتی از جمله طلابی است که از سال ۷۸ وارد حوزه علمیه شد. او بعد از آشنایی با زبان پرتغالی که از زبان‌های مهجور در تبلیغ است به عنوان مبلغ و فعال دینی راهی برزیل شد. خاطرات تبلیغی این مبلغ جوان خصوصاً در زمان المپیک سال گذشته جالب و قابل تأمل است.

چرا با زبان پرتغالی وارد عرصه تبلیغ بین‌المللی شدید؟

چون دوست داشتم به غیر از زبان انگلیسی به زبان دیگر هم آشنایی پیدا کنم، از طرفی رهبر معظم انقلاب در دیداری که با طلاب داشتند توصیه کرده بودند که در زبان‌های مختلف حوزویان آموزش ببینند تا بتوانند بهتر کار تبلیغی انجام بدهند. برای همین ما هم داوطلب زبان پرتغالی شدیم. چهار نفر بودیم که موفق شدیم به مراحل پیشرفته برسیم. بعد از آن از طرف جامعه‌المصطفی و با همکاری دفتر مقام معظم رهبری به برزیل رفتیم تا آنجا دوره ببینیم که برای رفع اشکال و تسلط به زبان خیلی مؤثر بود.

در برزیل چند مبلغ داریم؟

الان بهتر از قبل حضور داریم ولی باز هم کافی نیست چون جمعیت بالایی دارد. ما حدود پنج نفریم که با همکاری معاونت بین‌الملل حوزه چند مرکز راه‌اندازی کردیم. غیر از ما مبلغان لبنانی و عراقی و برزیلی هم هستند.

دین غالب در برزیل چیست؟

مسیحی کاتولیک هستند ولی اخیراً به دلیل بی‌اعتمادی به کلیساها، در حال تغییر دین هستند و به دلیل فعالیت زیاد اوانجلیک‌ها و مسلمانان عمدتاً به این دو جذب می‌شوند.

چه تعداد مسلمان در برزیل داریم؟

نزدیک به یک میلیون مسلمان داریم و شیعه هم چندهزارتایی هستند. آمار دقیقی ندارم.

وهابیون در برزیل هم حضور دارند؟

بله؛ بسیار زیاد، وهابیت مثل غده سرطانی همه جا نفوذ کرده چون از سوی عربستان حمایت مالی زیادی می‌شود و خیلی هم هزینه می‌کنند تا از فرصت ایجاد شده برای تغییر دین مردم بهره ببرند. مساجد بزرگ و مجهز می‌سازند و با نیروهای زیادی که دارند به شدت فعال هستند تا اسلام مصری را در برزیل نشر بدهند.

مراکز اسلامی در برزیل چه تعداد هستند؟

سه مرکز اسلامی برزیل را در شهرهای بزرگ و پرجمعیت راه‌اندازی کرده‌ایم. در گویانیا مرکز امام علی، در شهر ریو دو ژانیرو مرکز امام حسین و در شهر توریستی کوریتی مرکز امام علی که آنجا روحانی و مبلغ لبنانی دارد.

نگاه برزیلی‌ها درباره ایران و ایرانی‌ها چگونه است؟

آنهایی هم که ایران را می‌شناختند و نگاه بدی نداشتند، ایران را با نام امام خمینی و اسلام را با قرآن می‌شناختند که البته زیاد نبودند. اکثریت نگاه خوبی به ایران نداشتند. یادم است اوایل که به برزیل رفته بودم خیلی‌ها ایران را نمی‌شناختند و ملاک شناختشان رسانه‌ها بود، مدام از من سؤال می‌کردند چرا شما ایرانی‌ها سر مردم را می‌برید؟! می‌گفتم چطور؟ متوجه نمی‌شوم تازه بعداً فهمیدم از بس رسانه‌ها تصویر بدی از ایران نشان می‌دهند مردم از ما می‌ترسند و موج ایران‌هراسی بالایی وجود داشت. ما را با داعش یکی می‌دانستند. وقتی از خودمان دفاع می‌کردیم که با داعش فرق داریم تعجب می‌کردند.

آیا توانستیم از فرصت جام جهانی و المپیک و پارالمپیک برای تصحیح نگاه برزیلی‌ها به ایران بهره ببریم؟

ظرفیت خوبی بود. ما برنامه‌ریزی زیادی کردیم. طرح نوشتیم به وزارت ورزش دادیم تا در این مسابقات جهانی اجرایی کنیم ولی همه برنامه‌ها کنسل و رد شد. گفتند صلاح نمی‌دانیم به این صورت فعال شوید. وهابیت هم بودند که قرآن و سی‌دی پخش می‌کردند درحالی که عمده برنامه‌های ما برای دانشگاهیان و جلسات بحث و مناظره بود که مصلحت‌اندیشی مسئولان وزارتخانه اجازه نداد اجرایی شود حتی برای نمایشگاه فرهنگی مکانی را هم درنظر گرفته بودیم.

چرا؟ به خاطر مسائل مالی بود؟

نه؛ ما اصلاً هیچ پولی از وزارتخانه نخواستیم چون خیرانی کمک‌های مالی را تقبل کرده بودند و تنها مجوز نمایشگاه و برنامه‌های خود را از وزارتخانه می‌خواستیم که نشد. البته داعش تبلیغ کرده بود که در این بازی‌ها ایرانی‌ها و شیعیان را می‌کشیم برای همین مسئولان صلاح ندانستند برنامه‌ای برگزار شود.

داعش موفق هم شد؟

نه؛ همه تبلیغاتش برای ایجاد ترس عمومی بود، اما از آنجا که اگر خدا بخواهد عدو سبب خیر شود با وجودی که ما کاری نکردیم خودشان باعث تبلیغ ما شدند. اول اینکه مردم تازه فهمیدند داعش با ایرانی‌ها فرق می‌کند چون گفته بودند ایرانی‌ها را می‌کشیم پس نمی‌توانند با هم یکی باشند و از سوی دیگر گفتند شیعیان را می‌کشیم پس با شیعیان هم همدست نیستند. همین‌ها باعث کنجکاوی مردم شد که چرا باید شیعه را تهدید کنند مگر شیعه چه مشخصاتی دارد از آن به بعد هرجا می‌گفتیم ایرانی هستیم ما را تحویل می‌گرفتند و برخورد خوبی داشتند چون از تروریست‌ها جدا بودیم.

فعالیت رسانه‌ای شما چطور بود؟

البته رسانه‌های برزیل در اختیار صهیونیست‌هاست و امکان بهره‌برداری ما خیلی کم است، در فضای مجازی و سایت‌هایی که داریم فعالیت می‌کنیم.

خاطره جالبی از مسابقات در برزیل دارید؟

بازی آخر جام جهانی بین برزیل و آلمان بود که برزیل باخت. این باخت خیلی فضای سنگینی در برزیل ایجاد کرد همه حالشان گرفته بود حتی یک کارگر عادی هم به شدت متأثر از این شکست بود و نمی‌شد با کسی در این باره حرفی زد تا اینکه در مسابقات المپیک من به همراه خانواده به شهر گویانیا اعزام شدم. مرکز اسلامی را برزیلی‌ها به خانه ایرانی‌ها می‌شناسند. بازی آخر المپیک هم بین آلمان و برزیل بود و یک جو سنگین انتقام در شهر ایجاد شده بود و همه برایشان بازی بسیار مهم و حیاتی بود از قضا داوران مسابقه ایرانی بودند که نگرانی من را بیشتر کرد. چون اگر بازی با باخت برزیل همراه می‌شد از آنجا که داوران ایرانی بودند به احتمال قوی می‌ریختند و مرکز اسلامی را سر ما خراب می‌کردند از اول بازی تا آخر آیه‌الکرسی می‌خواندم و دعا می‌کردم اولین بار به نفع کشور دیگری دست به دعا برداشته بودم تا برزیل برنده شود. خیلی فضای سختی بود، خدا را شکر بازی با برد برزیل ختم به‌خیر شد از آن به بعد نگاه و برخورد برزیلی‌ها به ما ایرانی‌ها بهتر شد. می‌گفتند چطور ایران کشوری عقب مانده است درحالی که داورانی با چنین مهارت و تخصص دارد. این اتفاق لطف خدا بود که به خوبی تمام شد.

به نظر شما چه چیزی باعث جذب برزیل به اسلام می‌شود؟

ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که باید به فعل برسانیم. با توجه به موج ایران‌هراسی رسانه‌های غربی در این کشور ما باید با کمک رسانه‌ها خودمان را معرفی کنیم تا حقیقت را بشناسند به خصوص در حوزه زبان باید نیروهای متخصص تربیت کنیم که توانایی کار در این عرصه را داشته باشند. نیاز به صرف هزینه بالایی هم نیست آنها مانند ما زیاد به انگلیسی مهارت ندارند همان زبان مادریشان پرتغالی را باید یاد بگیریم و کار کنیم.

در بحث فرهنگی فیلم «من سالوادور نیستم» تنها چیزی است که در مورد ایران و برزیل به ذهنم می‌رسد. این کار به نظرتان چقدر در روابط دو کشور اثرگذار بود؟

برای شروع روابط فرهنگی حرکت خوبی بود اما فیلم تنها به مخاطب ایرانی می‌پرداخت و از اشتراکات فرهنگی ایران و برزیل استفاده نکرد تا آنها را در فیلم بهتر نشان بدهد. جای کار زیاد است تا فیلم‌های خوب و با محتوا تولید کنیم.

مگر ایران و برزیل چه مشترکات فرهنگی دارند؟

هر دو به مسائل خانواده بسیار اهمیت می‌دهند احترام به بزرگ‌ترها و اینکه هر طور شده دور هم یا در خانه بزرگ فامیل جمع بشوند و غذایی با هم بخورند. اهل تعارف هستند البته نه به شدت ما ایرانی‌ها ولی نسبت به هم تعارف می‌کنند برخلاف اروپاییان افرادی خونگرم و بامحبت هستند. چانه زیاد می‌زنند در حالی که در کشوری مثل بولیوی چانه‌زدن منفی و نشانه فقر و بیچارگی است. در برزیل مانند ایران اصلاً اینگونه نیست هنگام خرید چانه می‌زنند و حرکت بدی تلقی نمی‌شود...

فیلم‌های ایرانی در برزیل مخاطب دارد؟

بله؛ فیلم‌هایی چون مریم مقدس، یوسف پیامبر و ابراهیم خلیل‌الله در رسانه‌های کلوپی به فروش می‌رسد که مرکز دوبله برزیل آنها را دوبله کرده است. البته اقبال به فیلم مریم مقدس خیلی بیشتر بوده است.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

بگذارید با خاطره‌ای کلام را به پایان ببرم. یادم هست یک بار در قهوه‌خانه دوست شیعه‌ای نشسته بودم که فردی با ظاهری موجه وارد شد. دوست قهوه‌فروش، من را به او معرفی کرد و گفت ایشان شیخ ما هست. ایشان کنار من نشست و شروع به حرف زدن کرد و گفت من سه بار قرآن را خوانده‌ام و سیستم مالیاتی قرآن برایم جالب و شگفت‌انگیز بود. یکی از برادران اهل سنت که آنجا بود پرسید چطور؟ گفت زکات و خمس به عنوان سیستم‌های مالیاتی قرآن بسیار جامع و سازنده در حوزه اقتصادی هستند. دوست سنی مذهب گفت: زکات داریم ولی خمس نداریم. گفتم همین امور اختلافات شیعه و سنی است. آن بنده خدا مسلمان نبود ولی سه بار قرآن را خوانده بود و آموزه‌های اقتصادی قرآن برایش جالب بود.

جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در ایستگاه پانزدهم

جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در دوره پانزدهم خود در حال برگزاری است. اکبر شیخ مدیرعامل بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) که چندماهی است سکان هدایت این بنیاد را در دست گرفته در گفت‌وگویی بخشی از فعالیت‌های بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) را شرح داده است.

مدیرعامل بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) در چند ماه فعالیتش دیدارهای مهمی داشت. او به دیدار تولیت آستان مقدس عبدالعظیم حسینی در شهر ری رفت. شیخ در دیدار با آیت‌الله ری‌شهری، گفت: بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) آمادگی خود را برای همکاری با آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) اعلام می‌کند تا ان‌شاءالله در عرصه تولید محتوا با اشراف آیت‌الله ری‌شهری، کارهای هدفمند در حوزه نرم‌افزار، کتاب و... ، همراه با ترجمه به زبان‌های مختلف دنیا صورت گیرد.

مدیرعامل بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) خاطرنشان کرد: تاکنون در حوزه‌های تحقیقاتی و پژوهشی، تفاهم‌نامه‌هایی از سوی بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) با آیت‌الله سعیدی تولیت آستان مقدس حضرت معصومه(س) و آیت‌الله دستغیب تولیت حرم شاهچراغ و همچنین تفاهم‌نامه‌هایی با برخی از نهادهای علمی تحت اشراف علمای شهر مشهد منعقد شده است تا به تولید محتوا و کتب مورد نظر اقدام کنند و امیدواریم بتوانیم از ظرفیت آستان حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) نیز استفاده کنیم. وی گفت: در بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) هر ساله جشنواره کتابخوانی با حضور بیش از ۴۰۰ هزار نفر برگزار می‌کنیم که بزرگ‌ترین دغدغه شرکت‌کنندگان و همچنین مسئولان برگزاری آن، وجود کتب پرمحتوا است که امیدواریم طی تفاهم‌نامه‌هایی که با این آستان‌های مقدس منعقد می‌شود، این موضوع مرتفع شود.

شیخ افزود: تمام دغدغه ما در خصوص اقدامات مذکور، تحقق فرمایشات رهبر معظم انقلاب در خصوص کتابخوانی است و اصولاً ما پیگیر هستیم تا دغدغه‌های رهبری و مراجع تقلید را دنبال کنیم، چراکه خود را سرباز ایشان می‌دانیم.

دانشنامه امام رضا(ع) با همکاری آستان قدس رضوی منتشر می‌شود

وی از انعقاد تفاهم همکاری میان بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) با آستان قدس رضوی برای تدوین دانشنامه جامع امام رضا(ع) خبر داد و گفت: از ابتدا اعتقاد داشتیم که برای تولید این مجموعه باید آستان قدس رضوی هم مشارکت داشته باشد تا در آینده کاری موازی این کار صورت نگیرد. وی با اشاره به اینکه در روند برگزاری جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) یک بازنگری جدی صورت می‌گیرد گفت: بعد از اتمام جشنواره پانزدهم، یک بازنگری جدی در این خصوص صورت خواهد گرفت تا از انجام کارهای بی‌ثمر پرهیز شود. شیخ به تغییرات جدی اختتامیه دوره پانزدهم جشنواره امام رضا(ع) هم اشاره کرد و گفت: مراسم اختتامیه جشنواره امسال در جوار بارگاه رضوی برگزار خواهد شد. همچنین زمان مراسم به قبل از نماز مغرب و عشا تغییر یافته است تا شرکت‌کنندگان در این مراسم بتوانند در نماز باشکوه شب میلاد خورشید هشتم در حرم مطهر رضوی حضور یابند.

«باغ بی‌برگی» منتشر شد

آلبوم «باغ بی‌برگی» به آهنگسازی کارن کیهانی در بازار موسیقی منتشر شد.

این آلبوم که با فاصله سه سال از مجموعه قبلی کیهانی منتشر شده است، گزیده‌ای از آثار این آهنگساز است که در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ خورشیدی، نوشته، اجرا و ضبط شده و به انتخاب خود آهنگساز در یک مجموعه گنجانده شده‌اند. این آلبوم شامل ۶ اثر با عناوین «روی جاده نمناک» برای پیانو، «آخرین قطره صد» برای ویلن ویلنسل، «و می‌بیند صدایی نیست» برای ترومبون سولو، «باغ بی‌برگی» برای هارپ سولو، «هِجرانی» برای فلوت و پیانو، «نقطه‌ای بود و دگر هیچ نبود» برای سنتور و آنسامبل بزرگ هستند. این شش اثر متعلق به دو مجموعه تک‌گویی‌های شبانه و جباب‌ها از دوره‌های کاری مختلف آهنگساز هستند.

افزایش سینماهای کانون به ۵۹ سالن

تعداد سالن‌های سینمای ویژه کودکان و نوجوانان در سراسر کشور در شش ماه گذشته به ۵۹ سالن افزایش یافته است.

کانون نمایش که فعالیت خود را از پاییز ۹۵ آغاز کرده است، طی ماه‌های گذشته با تجهیز و راه‌اندازی ۲۷ سالن سینما قدم مهمی را در بهبود فعالیت‌های هنری برای کودکان و نوجوانان کشور برداشته است.

بر این اساس، کانون نمایش از پاییز ۹۵ اکران آثار پویانمایی و فیلم‌های کوتاه و بلند سینمایی را برای اعضای کتابخانه‌های کانون و عموم در مرکز استان‌ها آغاز کرد. در این اقدام مهم سالن‌های سینمای مراکز کانون در نوبت صبح و بعدازظهر آثار فاخری را به نمایش گذاشتند. با شروع استقبال مخاطبان و حضور آنان در ۳۲ سالن موجود، برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی سالن‌های جدید یا اکران آثار در شهرهای دور و نزدیک آغاز شد. با اعلام اداره کل سینمایی و تئاتر کانون، این ۲۷ سالن در استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان، بوشهر، خراسان شمالی، خوزستان، سمنان و فارس راه‌اندازی و تجهیز و هم‌اینک به بهره‌برداری رسیده‌اند و برخی از آنها فعالیت رسمی خود را آغاز کرده‌اند.

۷ چهره قرآنی در شانزدهمین همایش عمری با قرآن تجلیل شدند

شانزدهمین همایش تجلیل از پیشکسوتان قرآنی تهران با عنوان «عمری با قرآن» با تجلیل از پیشکسوتان قرآنی استادان علی‌اکبر ملک‌شاهی، مجید زکی‌لو، محسن بادپا، نسرین نافذکلام، حسین محجوب، مهدی حسین‌زاده، سعید پرویزی و خانواده شهید قرآنی مدافع حرم «محسن فرامرزی» برگزار شد.

شانزدهمین همایش تجلیل از پیشکسوتان قرآنی تهران با عنوان «عمری با قرآن» ۱۹ خردادماه، مصادف با شب میلاد امام حسن مجتبی(ع) برگزار شد. در ابتدای این مراسم حجت‌الاسلام حسن ناصری‌پور، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با اشاره به مصوبات و برنامه‌های شورای عالی قرآن سازمان فرهنگی هنری، اظهار کرد: باید عزم جدی در خصوص نهضت قرآنی کردن شهر تهران داشته باشیم. معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اخیرش با دانشجویان گفت: همانطور که مقام معظم رهبری گفتند که «گاهی دستگاه‌های مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست، دچار اختلال و تعطیلی می‌شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم، با شناخت وظیفه خود، به صورت آتش به اختیار، تصمیم‌گیری و اقدام کنند»، باید در زمینه ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در جامعه تلاش کرد و در این زمینه حرکتی جدی انجام دهیم.

ناصری‌پور در اشاره به استقبال از کلاس‌های آموزشی سازمان فرهنگی هنری بیان کرد: مسابقات سراج و تسنیم از جمله اتفاقات خوب قرآنی در سال گذشته بود. همچنین در کلاس‌های آموزشی قرآنی حدود ۱۹۵ درصد رشد مخاطب داشتیم که سن آنها در حدود ۱۸-۲۶ سال بود. بیشتر علاقه‌مند بودند در کلاس‌های مفاهیم قرآن کریم شرکت کنند. این موضوع مسیر دیگری را به ما رهنمود می‌سازد که جامعه به دنبال اقناع می‌گردد. اگر فرهنگ قرآنی در جامعه ما به حقیقت کلمه بنشیند، اتفاق بزرگی رخ می‌دهد.

وی ادامه داد: براساس مصوبه شورای قرآن سازمان فرهنگی هنری امیدواریم همه اقدامات سازمان نشأت گرفته از یکی از آیات قرآنی باشد. در سال ۹۶ دو اقدام مهم داریم یکی بحث قناعت و دیگری احترام به پدر و مادر. اعتقاد داریم اگر این موضوع را در شهر تهران نهادینه کنیم، برکت در این شهر سراسر نازل خواهد شد و امیدواریم در این امر بسیار مهم بتوانیم موفق باشیم.